



آفرینش بوجود آورده و باموهبت عقل سلیم مجهز کرده و باین وسیله از سایر انواع حیوانی تمیز داده و آرایش و پیرایش او هام و خرافات و سایر افکار پوچ تقلیدی و موردنی را نداشته باشد، و این مطلب از اول تا آخر کتاب الله (قرآن شریف) در نهایت وضوح پیدا است.

اسلام تشخیص میدهد انسانی را که دستگاہ آفرینش بوجود آورده و با عقل سلیم مجهز نموده است؛ بسا سلامت شعور و ادراک و (فطرت خدا دادی خود) درک میکند که در عین حال او و هر آفریده دیگری در شاهراه حیات جوئیای سعادت و خواهان خوشبختی خود می باشد، و در پیدایش وجود خود و بقای خود و تأمین سعادت و رفع حوائج خود به بیچ وجه استقلال نداشته و از هر جهت محتاج بکنار از خود میباشد. و همچنین هر موجود دیگری از اجزای جهان آفرینش، خود خود را بوجود نیارده و در اداره وجود و بقای خود استقلال ندارد و مجموعه جهان هستی نیز که همان انسان و سایر پدیده های جهانی است بیک نقطه ای مافوق طبیعت بستگی داشته و بایک اراده شکست ناپذیر غیبی طبق قوانین عامه علیت و معلولیت اداره شده و به بقای وجود خود ادامه میدهند.

و این درک، انسان را بسوی این نتیجه هدایت میکند که باید بخدای یگانه (حیات و علم و قدرت مافوق طبیعت) سر تسلیم فرود آورده و بسوی مقصدی پیش رود که در ساختمان وجود وی پیش بینی شده و بدست عقل سپرده شده است.

قرآن شریف تصریح میکند که: «دین همان تسلیم بخدای یگانه

است « (۱) و تصریح میکند که دین همانا يك سلسله تعلیماتی است که با آفرینش ویژه انسان وفق داده و تطبیق کرده و خواسته های وجودی وی را در نهایت تعدیل تأمین نماید: «دین روی آفرینش خدائی استوار است که مردم را طبق آن آفریده و آفرینش خدائی قابل تبدیل و تغییر نیست» (۲).

کسی که از این نظر کلی و قطعی اسلام: «بشر باید در حال اجتماع و اتفاق طوری زندگی کند که با آفرینش انسانی تطبیق نماید» اطلاع بهم رسانیده و کمی تأمل نماید، حدس خواهد زد که اسلام در جریان تعلیمات خود حفظ عقل سالم را مهمترین واجبات دانسته و کمترین اجازه ای از برای تباه کردن وی، حتی يك لحظه، نخواهد داد؛ و همان طور هم هست.

اسلام اداره امور زندگی انفرادی و اجتماعی انسان را بدست عقل سالم سپرده و هیچگونه اجازه مداخله بعواطف دروغ نمیدهد، مگر در حدودی که عقل تجویز نماید. و از این روی از هر چیزی که فعالیت طبیعی این موهبت خدادادی را کم یا زیاد بهمزده و مختل میکند، و تلاش عقل و تدبیر را خنثی مینماید، بانمام قوا جلوگیری بعمل میآورد چنانکه از قمار که روی بخت و شانس استوار است و از دروغ و افتراء و تزویر و غش در معاملات و هر چه از این قبیل بوده و عقل اجتماعی را مختل ساخته و تدبیر و رویه را خنثی میکند نهی مینماید.

۱- ان الدین عند الله الاسلام (آل عمران - ۱۹).

۲- فاقم وجهك للدين حنيفا، فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل

لفعل الله (روم - ۳۰).

و از آن جمله است : استعمال مشروبات الکلی که شدیداً در اسلام ممنوع و حتی نسبت بنوشیدن يك قطره از مسکرات هشتاد تازیانه مجازات تعیین شده است .

۲- خوردن مشروبات الکلی در میان سایر کارهای مزاحم قتل و تدبیر تنها عملی است که سر و کارش مستقیماً با عقل و شعور می باشد و تنها بمنظور کشتن تعقل و تقویت عواطف بی سرپرست انجام داده میشود .

و بهمین جهت آثار شوم و نتیجه های زشت و ناهنجاری که پیوسته از جهت بهداشت و اخلاق و روان و دین در افراد و در جامعه های بشری بسط و توسعه میدهد ؛ بهیچوجه قابل انکار نبوده و پوشیده نیست . فعلاً سالی از تاریخ انسانیت نمیگذرد که هزارها و هزارها بیمار الکلی بیماریهای گوناگون مری و معده و ریه و کبد و اعصاب و غیر ذلک، گرفتار نشده و در بیمارستانها بستری نشوند .

سالی نمیگذرد که جمعیت انبوهی مجانین الکلی بتیمارستانها منتقل نشوند ، سالی نمیگذرد که میلیونها اشخاص کنترل اخلاقی خود را از دست ندهند و یا با نهرافات روانی و گرفتاریهای فکری مبتلا نشوند .

سالی نمیگذرد که این سم مهلك بصدها ملیون قتل و خودکشی و جنایت و دزدی و خیانت و عرض فروشی و رسوائی و پرده دری و افشای اسرار و بدگویی و بدزبانی و ایذاء و اذیت هدایت نکند ( و با وقتهای زیادی ، افراد شریف انسان را در حالی که مانند حیوان وحشی پای بند هیچ قانون و مقرراتی نیستند ، اسیر و زندانی نکند ) .

تعقل پاکی که روزانه بواسطه استعمال صدها ملیون لیتر مشروبات الکلی از دست جامعه انسانی میرود، ضایعه اسفناک و جبران ناپذیری است، والبته از نقطه نظر روانی از جامعه انسانی که پیوسته همه یا قسمت اعظم ممیز انسانیت خود را (تعقل صحیح و پاک) از دست می دهند نباید امید خیر و انتظار خوشبختی عمومی داشت.

قرآن شریف برای اولین بار که از نوشیدن می نمی میکند بطور اجمال بهمه مفسد فردی و اجتماعی وی اشاره کرده و او را « اثم » نام نهاده، یعنی کار زشتی که در نیالیه نامطلوب داشته و معر و میتنهائی بار می آورد (سوره اعراف - ۳۳) (۱).

و برای آخرین بار که در نهایت تأکید نمی میکند، مخصوصاً بدو نوع از مفسد و مضرات این عمل اشاره میکند که رخنه یسافتن آنها بجامعه انسانی، از کان جامعه بشری راسست و بالاخره کاتخ سعادت عمومی را بطور قطع سرنگون خواهد کرد.

در سوره مائده آیه ۱۱ میفرماید: « شراب مسکر در میان شما کینه و دشمنی ایجاد کرده و شمارا نسبت بمقدسات قوانین و مقررات که پای بندی آنها تنهاراه سعادت شما است، بی اعتناء و بی بند و بار میکند » (۲) و پرروشن است که تنهام تعلیمات اسلامی تشکیل یک اجتماع صالحی است که الفت و التیام دروی حکومت کند و همه افراد آن خود شانرا

۱- قل انما حرم ربی الفواحش ماظهر منها وما بطن والاثم والبنی بنیر الحق

۲- انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة والبغضاء فی الغمر والبیسرو

یصدکم عن ذکرائه وعن الصلوة فهل اتم منتمون .

در پیشگاه خدائی مسئول اجرای قوانین انسانی که ضامن سعادتشان میباشد بدانند، و در هیچ حال خدا را فراموش نکنند و بمسئولیت خود بی اعتنا نباشند.

اینست آنچه اجمالاً در قرآن شریف در مقام قانونگذاری بیان شده است و آنچه از مقام نبوت در این باب نقل شده بیرون از حد بوده و همه مضرات جسمانی و روحانی خمر را تفصیلاً بیان مینماید.

۳ - روزی که اسلام مشروبات الکلی را تحریم کرد جهان بشریت با استثنای معدودی از یهود، مبتلای این سم مهلك بوده و در همه مجتمعات مترقی و غیر مترقی آن روز رواج کامل داشته و خوردن می هیچگونه ممنوعیت قانونی نداشت، مردم آن روز با همین عقیده و عادت نامطلوب نسلاً بعد نسل بطور توارث رشد کرده و رگ در ریشه دو انیده بودند.

البته ریشه کن نمودن چنین عادتی از برای اسلام همان اندازه اشکال داشت که از میان بردن عقیده و تثبیت مشکل بود؛ اگر مشکل تر نبوده باشد.

و بهمین جهت بود که اسلام در اجرای حکم تحریم خمر راه ارفاق و طریقه تدریج را اختیار نموده و بمنظور خود در ظرف چندین سال از دعوت (فاصله نزول آیه اعراف و آیه مائده) جامعه عمل پوشانیده در آیه اعراف سر بسته و بنام «ائم» و در سوره بقره آیه ۲۱۹ (۱) نسبتاً صریح تر؛ و در آیه مائده صریح صریح نهی نموده است.

۱ - یسئلونک عن العمر و العبر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمها اکبر من نفعها.

و همچنین در اوایل بعثت بعنوان تحریم ساده و سرانجام تحریم شدید  
نموده و قرار حد (مجازات بانازیانه) صادر کرده است.

۴ - اسلام در ابتدای کار اگرچه در اجرای حکم تحریم و بیرون  
کردن هوای می پرستی از سر مردم، دچار مشکلاتی بود، ولی در عین  
حال در اجرای این حکم شاق و پذیرش عمومی از وی، موفقیت شگفت آوری  
پیدا کرده که راستی حیرت انگیز است.

آیه مائده که آخرین آیه ایست که بتحریم خمر مشتمل است، نشان  
میدهد که پس از چندین سال که از عمر تحریم میگذشته هنوز مردم بکلی دست  
از عادت دیرین خود برنداشته بوده اند، ولی چنانکه از قرائن تاریخی  
برمیآید، پس از تحریم قطعی خمر، مردم يك باره هوس باده کشی را از  
سر بیرون رانده، و بی تأمل هر چه خم شراب و صراحی می بود، در کوچه ها و  
معابر و سر راهها شکسته و موجودی محتویات آنها را بزمین ریختند و هرگز  
اجرای حد برای کسی که در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله (مابین تحریم و تعیین حد  
و رحلت رسول) شراب خورده باشد، نقل نشده، باینکه اجرای حد از  
برای قتل و زنا و امثال آن از منہیات؛ زیاد نقل شده است.

و در مسیر تاریخی سیزده، چهارده قرن که از طلوع و دعوت  
اسلامی میگذرد، در میان جامعه اسلامی میتوان گفت: صدها ملیون  
مسلمان آمده و رفته اند که در عمر قطره ای از این سم مهلك نچشیده باشند.  
و در ممالک اسلامی که صدها ملیون مسلمان زندگی مینمایند،

بجز شهرهای بزرگ که از مدنیت امروز بی بهره نبوده و این سم نیز  
بهمراه مدنیت در آنها شیوع پیدا کرده، میتوان قطع داشت که ملیونها

مسلمانان در عمر خود رنگ شراب ندیده باشند .  
 در همین ایران خودمان در غیر شهرهای بزرگ ، در دهات و عشایر  
 میلیونها زن و مرد میتوان یافت که در زندگی خود قطره ای از شراب  
 نچشیده اند ، سهل است ، حتی تصور باده کشی بمخیله شان نیز خطور  
 نکرده و از شراب ما نند پلید بهای دیگر ، طبعاً متنفر بوده و دوری  
 میجویند .

(پایان)

### اثر نفوذ اسلام

هلند - اندونزی

مدتی کشور اسلامی اندونزی مستعمره هلند بود؛ معمولاً  
 دول استعماری میکوشند تا زبان و آداب و رسوم و عقاید خود را بر مستعمرگان  
 خویش تحمیل کرده و از همه جهت آنها را تحت سیطره و نفوذ خود در  
 آورند ، در مورد هلند و اندونزی قضیه بعکس شد زیرا اسلام توسط  
 ملت مسلمان اندونزی در هلند وارد شده و رفته رفته بر نفوذ خود افزود  
 و اینک حدود ۵ هزار مسلمان در هلند وجود دارد و این خود در تاریخ  
 «استعمار» داستان کم نظیری است که علت آنرا چیزی جز واقعیت و نفوذ  
 اسلام نمیتوان دانست .